مسئوولیت متن و شکل بدوش نویسندۀ مضمون میباشد، عقیدۀ نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاین نمی باشد

ف. هیرمند ۲۰۲۴/۰۴/۲۴

فهرست ناکامل پیامد های کودتای ثور 1357

گور خونین شهیدان به تو آواز دهد...

در این نوشته فهرست حقایق مسلم و چشم دید تمام هموطنان مظلوم ما که در دوران سیاه حاکمیت حزب پرچم و خلق زندگی به سر کرده اند، ردیف شده است؛ رویداد های واقعی، بدون بهتان وتزئید و به دور از مبالغه، وقایعی که بازگو کنندۀ جنایات و جرائم اعضای حزب دموکراتیک خلق خواهد بود، تا یادداشتی باشد برای مراجع و محاکمی که به تعقیب و رسیدگی رویداد های مربوط اقدام میکنند. چرا....؟ زیرا ما سالمندان دگر نسل در حال غروبیم و لازم است به صورت مختصر و صریح جنایات و جرائمی که حزبی های پرچمی و خلقی در زمان حاکمیت خود بر افغانستان و مردمش اعمال کرده اند فهرست – ولو به صورت ناکامل – شود تا نسل های آینده در به محاکمه کشانی این قاتلان کشور و مردم ما در هر زمانی که باشد، مسئولیت احساس کنند و آگاه گردند که در وطن شان چه جنایات هولناک و به دست چه کسانی ارتکاب یافته است، تا حتی فرزندان معصوم و شریف همین قاتلان هم در اندیشۀ تأمین عدالت و تثبیت حقایق ناظر به پدران شان بی افتند. آیندگان ما بدانند که وطن شان با چه دست های ناپاکی به روز بد افتاد و باخبر گردند که آبا و اجداد شان چه مظالمی را از دست این خونریزان که متحمل نگردیده اند.

دعوی دادخواهی برای به محاکمه کشانی این قاتلان و وطن فروشان، دادخواهی کدام جناح مشخص سیاسی، ایدیولوژیک و تباری نیست، این دعوی دادخواهی برای حرمت گزاری به خون میلیون ها هموطن معصوم ما که تعداد زیاد شان توسط همین اعضای حزب دموکراتیک خلق به قتل رسیدند، باید صورت بگیرد، یعنی این دادخواهی از سوی تمام ملت نجیب و مظلوم افغانستان به عمل می آید، زیرا تمام ملت و وطن شان با حاکمیت هفت ثوری ها زخم های جبران ناپذیر برداشتند.

اینک 46 سال از کودتای خونین، ویرانگر و تباه کننده ثور 1357 ه ش می گذرد و هنوز که هنوز است، قاتلان و آدمکشان، رژیم وطن فروش آن دوران سیاه به سزای اعمال شان نه رسیده اند. بعضی از هواخواهان و پیروان آن رژیم و نظام که از مستقر شدن رژیم و برقراری آن منافع و امتیازات زیاد برای خود رویهم کردند هنوز هم در همان خط روان اند برای مستقر نمودن مجدد آن انجمن ها و سازمان ها در این گوشه و آن گوشه ای دنیا سازمان داده اند، این ها، با تغییر نام چند حزب به راه انداخته اند، ولی در عقب این احزاب نام نهاد نمی توانند چهره های کریح خود را پنهان کنند، این ها در ساحۀ تحقق حقوق بشر از همه زودتر می دوند، در حالی که از نگاه ایدیولوژی شان حقوق بشر "پدیدۀ سرمایه دارای" خوانده شده است، هریک از این ها در دستگیری و زندانی ساختن هموطنان بیگناه ما دست داشته است و حالا خود را پیشقراولان حقوق بشر می دانند و از راه انجمن های شان به تبلیغ اصول حقوق بشری سرگرم اند در حالی که این انجمن ها برای حزب شان فعالیت دارد و حتی تلویزیون هم گماشته اند.

کودتای ثورکه چه پیامد های به دنبال داشت، بر شمرده می شود، البته این فهرست ناکامل است و شاید چند و یا چندین پیامد وخیم دیگری که در این فهرست دیده نه شود، محصول نابکاری های این گروه باشد. واین هم لست:

- برهم زدن و تخریب جریان عادی رشد جامعه به سوی یک تکامل عادی و قابل تحمل برای ساختار اجتماعی افغانستان.
- متوقف ساختن یک پروسۀ اندیشه های ملی و خودی
- آغاز وحشت و دهشت رسمی و دولتی برای فشار، سرکوب، حملات و یورش شبانه به منازل هموطنان ما و دستگیری و زندانی کردن شان، حتی لیلیه های پولیتخنیک و پوهنتون کابل از این یورش های شبانۀ جاسوسان رژیم در امان نبودند، و تعدادی از محصلان هم دستگیر و سپس سر به نیست گردیدند
- برقراری نظام استبدادی و تمامیت خواه توأم با اختناق و منع هرگونه شکایت، انتقاد وگلایه از سوی مردم مظلوم
- آغاز سرکوب های دسته جمعی به صورت دستگیری های غیر و فرا قانونی اتباع کشور
- کشتار و تیر باران صد ها هموطن بیگناه ما و زندانی نمودن هزاران دیگر و پوسیدن شان در زندان های سیاه و تاریک استبداد پرچمی و خلقی.
- ناپدید ن گردانیدن و مفقود ساختن هزاران هموطن بیگناه ما
- معیوب و مصدوم گردانیدن هزاران هموطن بی دفاع ما زیر نام "عناصر ضد انقلاب"

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکاری ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

- بی ثبات گردانی رو به افزایش سیاسی و اجتماعی و کودتا های پیهم پنهان و آشکار در داخل رژیم- چیره گردانیدن ترس و هراس همگانی بر مردم مظلوم ما و استفاده بردن از این اوضاع به نفع رژیم
- کاهش جدی وضعیت اقتصادی کشور و به این ترتیب مملکت را محتاج هر چه بیشتر قدرت غارتگر روسیهٔ شوروی گردانیدن. اتخاذ سیاست های افراطی برای نفوذ بیشتر روسها در منطقه.
- تعرض به باور ها و عقاید مردم ما و فراهم آمدن مقاومت در برابر رژیم دست نشانده
- مساعد شدن فرصت های طلایی برای پاکستان تا در امور وطن ما با دست آزاد، نفود و مداخله کند
- ایجاد شرایط بسیار مناسب برای به وجود آمدن گروه های تنظیمی در پاکستان و فراهم شدن ابزار های مداخلهٔ مستقیم در بحرانات وطن ما.
- تحریک گروه های قومی، منطقوی و مذهبی و پررنگ ساختن تفاوت های شان از سوی فراکسیون های پرچمی و خلقی به منظور تضعیف مردم و در نتیجه تولید روح بدبینی و عدم اعتماد و اطمینان میان مردم شریف ما
- تعمیم اختلافات درون حزبی شان در میان مردم مظلوم ما، نقض صریح حق مالکیت هموطنان ما
- تشدید ظلم، استبداد، کشتار، شکنجه، زندانی کردن بی حد و حصر هموطنان ما، درهم شکستن ثبات و رسیدن کارد به استخوان مردم و بی سرنوشتی کشور که آهسته آهسته زمینهٔ بروزاعتراضات و مقاومت را ایجاد کرد.
- رژیم از مقاومت هراسناک شده و عساکر شوروی را فرا خواند تا خاک ما را اشغال کند
- و از این پس خاک مقدس ما زیر چکمه های سربازان روسی گرد باد های را به سر کرد
- روستا های پاک و منزهٔ ما از پدیده های خوب و بد مدنیت تکنولوژی کنونی و بی خبر از برخی از شیطنیت های این مدنیت زیر و رو شد، گدام های گندم روستا نشینان ما آلوده به فضله های این اشغاگران درنده گردید.
- حزب پرچم و خلق برای نخستین بار در تأریخ معاصر، افغانستان را به مستعمرهٔ روسها در آورد واین رسم کثیف عروج نیرو های خارجی وسپردن سرنوشت کشور به دست خارجی ها را همین گروه حزب دموکراتیک خلق اساس گذاشت،
- همین حزب خلق رسم نجس ادارهٔ امور را به دست مخبران و استخبارات خارجی در وطن ما بنیان نهاد که در هر وزارت یک جاسوس روسی به نام مشاور امور را اداره می نمود. خلفان این گروه خائن به وطن به پیروی و پررویی حتی رئیس استخبارات خارجی را در کنار مقامات تصمیم گیرنده نشاندند، این رواج خائنانه تا دیر زمانی ادامه یافت که استخباراتی های خارجی امور را مدیریت کنند به نفع منافع منطقوی و ملی شان و غارت منابع طبعی ما.
- پس از اشغال، روسها با مزدوران افغان شان شانه به شانه در سرکوب و کشتار مردم همدست شدند، کشتار و بمباردمان جنبش و مظاهرهٔ هرات و سرکوب بی رحمانهٔ تظاهرات سوم حوت 1359 ه ش در کابل و نقاط دیگر کشور مدارک اثبات این جنایات است.

– رسم دیگری که میراث ناپاک دوران حاکمیت پرچم و خلق شناخته می شود، اینکه باید مقامات دست اول کشورتوسط وابستگان استخباراتی افغان همان کشور های استعمارگر مدیریت گردد. تمام رهبران کشور در زمان حاکمیت حزب خلق اعضای استخبارات شوروی ها بودند.

– حاکمیت حزب خلق در طی حکمرانی خود در موارد بی شماری مرتکب جنایات ضد بشری گردیده است:

هزاران بی گناه را بدون محاکمه و داد خواهی و طی مراحل اصولی تیر باران نموده و محوه کرده است و به هزاران دیگر را ناپدید کرده و میلیون ها هموطن ما را مجبور به ترک خانه و کاشانهٔ شان کرده است و هزاران دیگر را بدون موجودیت اتهام واضح و اثبات تقصیر به زندان ها افگنده بود، شکنجه و آزار و اذیت جسمانی و روانی از امور عادی و روزمرهٔ شیوهٔ استنطاق، مستنطقان حزبی شمرده می شد، ده ها و شاید بیشتر هموطنان معصوم ما از زیر تحقیقات این ظالمان جان به سلامت نبرده و در زیر شکنجه جان دادند. شکنجه گران، مستنطقان، خارانوالان آن دوران حالا راحت و سرشار در کشور های غربی مصروف زندگی با ناز و نعمت اند.

– اعضای حزب دموکراتیک خلق در آخرین روز های حاکمیت خود، لست ناپدید شدگان و کشته شدگان را که توسط شان گرفتار و زندانی شده بودند، اعلام نمودند، این لست، کشتارتقریباً 6000 انسان را خبر میداد که ذریعهٔ حزبی ها کشته شده و محوه گردیده بودند. این در واقع اعتراف تحریری حزبی ها به ارتکاب قتل همان 6000 انسان هموطن ما می باشد.

– سند دیگر جنایات ضد بشری حزب دموکراتیک همان گور های دسته جمعی است که در هرگوشه و کنار کشور هر از گاهی کشف و پدیدار می شود که مدارک و ابزار کنار اجساد مؤید قربانیان همان دوران رژیم مذکور می باشد، تعداد شهدای این گور ها دقیق شمار نگردیده ولی اقلاً صد ها هموطن ما در این گور ها بعد از قتل مدفون شده اند.

– انسان های که به قتل رسیده اند، در میان شان کارگر، دهقان، روحانی، نخبهٔ مجهز به علوم یعنی دانشمندان، محققان، مؤرخان، مردان و زنان – که همه گل سر سبد زمان در رشتهٔ علوم بودند - توسط حزبی ها سر بریده شدند. زیان و خسارات معنوی و فرهنگی این کشتار ها را می توان قیاس نمود که بعضاً جبران ناپذیر خواهد بود.

- صدمهٔ جبران ناپذیر دیگری که حاکمیت حزب دموکراتیک خلق در حوزهٔ اجتماعی و فرهنگی وارد نمود، باطل سازی، بی اعتبار گردانی و بدنام سازی قشر جوان و تحصیل کرده و روشنفکر جامعه بود، زیرا این حزبی ها با نقاب به ظاهر روشنفکر و تحصیل کرده این همه جنایات را به اجرا گذاشتند.

– وقتی به وسعت و گسترده گی جنایات ضد بشری ارتکابی توسط حزب دموکراتیک خلق نگریسته می شود، رهبران حزبی (به شمول نفر اول، بیروی سیاسی و کمیته مرکزی) به تنهایی نمی توانستند، این همه کشتار و شکنجه را

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکني د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

مرتکب شوند، بدون شک یک عده از سایر اعضای حزب مانند اعضای دستگاه استخبارات، برخی از اعضای اردو، برخی از اعضای دستگاه پولیس رژیم و نیز منشی های کمیته های حزبی در این جنایات ضد بشری دست و سهم داشتند که همین حالا تعدادی از همین آدمکش ها در کشور های غربی به راحتی زندگی مجللی دارند

– میلیون ها هموطن ما از فضای وحشت و ارعاب و ترس پخش شده توسط پرچم و خلق وطن را ترک کرده عازم خارج – مخصوصاً ایران و پاکستان – گردیدند که در این دو کشور متحمل رنج ها و وعذاب زیاد گردیده و تا حالا این رنج و عذاب بالای شان ادامه دارد.

- حزب پرچم و خلق نظام دولتی را چنان دستلوت و بی اعتبار ساخت که خلف شان (تنظیمی ها) به طور کامل دولت را به مفهوم دقیق کلمه به صورت فزیکی از میان بردند و آرزوی دیرینهٔ دولت پاکستان را برآورده ساختند، این تنظیمی ها محصول اجتناب ناپذیر اعمال و سیاست های دست نشاندگان روسها، بودند که به شکلی تا پایان جمهوریت در فساد مالی و قدرت نقش برجسته و نخست داشتند. همین ها به پیروی از شیوهٔ پرچم و خلق استخبارات خارجی را به وطن ما فرا خواندند و سررشتهٔ امور را به دست آنها سپردند.

– پرچم و خلق عنصر مهم فرهنگ مستعمره نشینی – یعنی توقع عامل تحول در داخل کشور از خارج - را در افکار عمومی و حتی در اندیشهٔ برخی ازاندیشمندان جاگزین نمود که همه در فکر آن بودند تا تحولی از خارج در کشور صورت بگیرد، و با این اندیشهٔ نادرست حضور نیرو های خارجی در وطن ما یک امر عادی و معمول انگاشته میشد.

– این همه فاجعه ها در وطن ما دستاورد های "انقلاب شکوهمند!! ثور" است که به طور کامل کشور را در ورطهٔ فروریختگی و تباهی کشاند و صد ها هزار هموطن ما در طی این همه تغییرات کشندهٔ ناشی از فاجعهٔ انفلاق ثور 1357 ه ش جان های شیرین شان را از دست دادند.

- بی ثباتی عدم استقرار، تحولات پی در پی منفی و سقوط در تمام عرصه ها، (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، رشد جرایم، تولید و ترافیک مواد مخدر، فساد و جنگ های داخلی، خط اندازی و ایجاد اختلافات گروه های تباری و تشدید آن توسط پرچم و خلق و ده ها مصیبت دیگر که سنگ وجودی و تهداب آن توسط حزب دموکراتیک خلق در وطن ما گذاشته شد، حال در هر نقطه ای از دنیا اگر مصیبتی روی میدهد آنرا با فاجعه های افغانستان ما به مقایسه میگیرند، حزب دموکراتیک خلق و اعضای آن افغانستان ما را به منفی ترین مودل در جهان مبدل ساختند.

این آدمکشان امروز داد از تعقیب مجرمان متهم به ارتکاب جنایات ضد بشری میزنند، اولاد های معصوم و بیگناه همین قاتلان که در هالند، آلمان و امریکا و آسترالیا و روسیه و برتانیه و... زندگی میکنند، به حیث نسل جدید و معصوم از پدران خود بپرسند که : پدر وقتی تو در کشور عضو حزب دموکراتیک خلق بودی مگر در این کشتار ها دست داشتی...؟ عکس العملت در برابر این کشتار ها چه بود...؟ آیا گاهی هم مخالفتی کردی یا به خاطر حزبیتت، سر تأئید شور دادی...؟ پدر اینجا که از انسان و حقوق بشر حرف میزنی مگر حین عضویتت در حزب به فکر انسان و حقوقش بودی...؟ پدر اگر من در برابر فرزند آن مقتولی که حزبت قاتل آن است قرار بگیرم چه پاسخی به او بدهم...؟ چه بگویم که پدرم در سرنوشت پدرش چه نقشی داشته است...؟ چه بگویم...؟

نسل آیندهٔ کشور برای تحقق عدالت و عدالت انتقالی، مواردی را در نظر خواهد داشت، زیرا بدون اجرای عدالت انتقالی جامعه نمی تواند، به عدالت واقعی و منصانه دست یابد و قادر به اجرای اصول انسانی گردد.

به این منظور برای تعقیب و به محاکمه کشانی آن متهمانی که تاهنوز زنده مانده اند احساس مسئولیت نمایند و داد خواهی خون مظلومان را به طور جدی دنبال کنند و تعقیب و به محاکمه کشانی مجرمان و هواخواهان مظنون حزب خائن پرچم و خلق نباید متوقف گردد، نام مجرمان خائن به وطن و مردم در صفحات سیاه تأریخ دوران حاکمیت شان درج گردد تا برای نسل های بعدی انتباهی باشد و نیز یاد و بود سالانهٔ خون شهیدان بی گناه و معصوم را از یاد نبرند تمام انجمن ها وسازمان های که بقایای آن نظام و رژیم اند تحریم گردند و اعضای آنها مورد افشاگری قرار داده شود.

متهمان به جنایات ضد بشری هفت ثوری ها – پرچم و خلق - میدانند و مطلع اند که جنایات ضد بشری مرور زمان ندارد، لذا گذشت زمان، معافیتی را برای آنها به ارمغان ندارد، زنده و مردهٔ آنها از محاکمه و قضاوت در امان نیستند.

شهیدان و قربانیان جنایات هفت ثوری ها به ما و نسل های آینده صدا میزنند که:

ما را از یاد نبرید، قاتلان ما را بدون محاکمه، سزا و جزا نگذارید، نگذارید که جنایات علیه بشریت، جنایات جنگی، کشتار های دسته جمعی، ژینوساید وانواع دیگر جنایات ضد بشری در وطن مصیبت زدهٔ ما، بدون تعقیب، محاکمه و مجازات بمانند.

پایان بی پایان

آر شیف:مطالب نشر شدهٔ آقای ف، هیرمند

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دليکني د ليکنيزي بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکي په ځير و لولئ